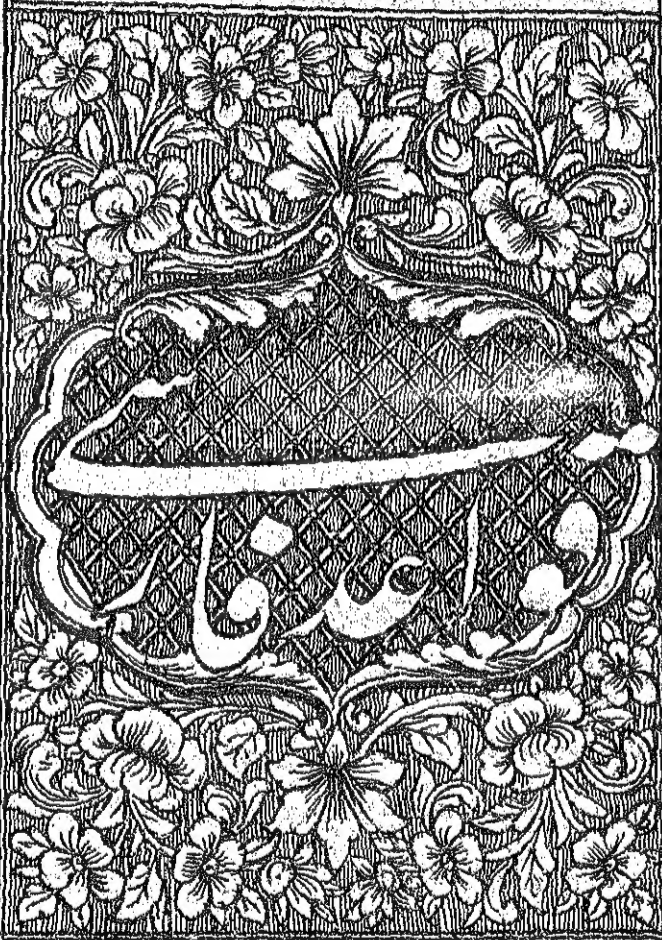




بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله



وآلينا محمد وآل محمد
صلى الله عليه وآله وسلم
السلامة والبركات



PF3030

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible]

۱۲
در دهرت انصاف و در
علاقه ای که ازین جهت کثرت
بافتن کتب و تفسیر و تکرار

از او شاور

[illegible]

آخرش آن باتن است و همین علامت مصدر است و از این مصدر چهل صیغه مشتق میشود و بحسب معانی مختلفه نسبت صیغه به صیغه
و احاطه فعل بهی بدین دلیل که شش صیغه فعل ماضی مطلق و شش صیغه فعل ماضی استمراری و شش صیغه فعل مستقبل و هیفتده صیغه فعل
بوسیله صیغه واحد غائب فعل مضارع بدین دلیل که شش صیغه فعل مضارع که سوای ماضی خاص خود که ماضی امر و غائب است معنی حال و
استقبال نیز دارد و شش صیغه فعل حال که مستقبل قبل از او و فعلی نیست و دو صیغه امر و دو صیغه نهی و یک صیغه امر و یک صیغه حال و هیفتده
هم فعل فاعل فعل شش صیغه است و واحد غائب جمع غائب واحد ماضی جمع حاضر واحد ماضی جمع حاضر واحد مستقبل جمع حاضر واحد مستقبل
و فعل جمع است و برای تنقید صیغه دیگر نیست و تفاوت میان ذکر و نوشتن هم نیست کیفیت اشتقاق صیغه مذکور
از مصدر چنین است که صیغه واحد غائب فعل ماضی از اسقاط حروف آخر علامت مصدر که البته نون خواهد بود حاصل میشود و ضمیر
غائب در او پوشیده است و معنی مصدری هم در وقت چنانچه در امر واحد مقتضای مقام فاعله و در وقت که مضارع یا ماضی
نمائند ظاهر میشود و باز آوردن ضمیر را در آخر شش صیغه دیگر برمی آید ضمیر با بدین تفصیل است ضمیر واحد غائب پوشیده می آید
ضمیر جمع غائب نون ساکن با دال موقوفست و ضمیر واحد حاضر برای ماضی و ضمیر جمع حاضر برای مجهول با دال موقوفست و ضمیر واحد
ساکن است و ضمیر جمع ماضی مجهول با میم موقوفست چنانچه از این شش صیغه ظاهر است گفت گفتند گفتی گفتید گفتی گفتید گفتی گفتید
هرگاه پوشش صیغه فعل ماضی در آرد ماضی استمراری شود و چون گفت گفتند میگفت میگفتند میگفتی میگفتید میگفتی میگفتید
فعل ماضی که واحد غائب جمع غائب امده تکلم باشد همین حکم دارد و ماضی استمراری که چون گفتی گفتید گفتی گفتید و فعل واحد که صیغه
مضارع از مصدر نخستین است علامت استقبال است چون شش صیغه فعل ماضی در آرد فعل مستقبل شود و ضمیر با بمحاطات و ماضی استمراری
در آخر همان علامت استقبال را در آن چون خواهد گفت خواهند گفت خواهی گفت خواهید گفت خواهی گفت خواهید گفت خواهی گفت
هم ماضی است هرگاه در آخر صیغه واحد غائب فعل ماضی در آرد هم فعل مضارع شود و چون گفتی گفتی گفتی گفتی گفتی گفتی گفتی گفتی
شود چون گفتی
است که اشتقاق آن از مصدر در ابواب معلوم خواهد شد با دال علاش اینها پنج صیغه دیگر بر می آید چون گوید گوید گوید گوید گوید گوید گوید گوید
علامت فعل حال است هرگاه در اول شش صیغه مضارع در آرد فعل حال شود و فعلی استقبال از او ساقط کرد و چون میگویی میگوید میگویند
میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی میگوئی
جمع امر و چون گوید و هر دو صیغه با آوردن یسمتوج که علامت نهی است در اول هر دو صیغه نهی واحد معنی جمع شود چون
گویی و گوئی صیغه امر و ماضی با آوردن لفظی در اول امر واحد حاصل شود و چون میگوئی و صیغه عالییه بر باد کردن الف نون آخر امر
حاصل شود و چون گویند و در صیغه امر واحد یا را انگندن هم در است و صیغه اسم فاعل با آوردن نون کن و ان منتوج و ماضی نهی
در آخر امر واحد که در صورت منتوج میشود حاصل آید چون گویند و هم شش موافق قاعده که گذشت بدانکه بعضی مضارع
مصدر ماضی قصد به است که از صیغه امر واحد باو خال لفظ آندین در آخر شش حاصل شود و چون گویند و از این

[illegible]

۱۲
صدر مسئول
کلیه صنایع ایران

سید کا پیش
یہ کہ اس فی
میں ان تمام
جو نشان

342
70



191500

**MUSLIM UNIVERSITY LIBRARY
ALIGARH.**

This book is due on the date last stamped. An over-due charge of one anna will be charged for each day the book is kept over time.

14 MAR 1917



RESERVED

page

291500

1992

تو احوالاً ۱۵۰

[illegible]